

حقوق بشر و دموکراسی

در جوامع چند فرهنگی

مؤلف:

دکتر جوانمیر عبدالهی

عضو هیأت علمی دانشگاه کردستان



مجمع علمی و فرهنگی مجد

عنوان و نام پدیدآور	حقوق بشر و دموکراسی (در جوامع چند فرهنگی) / مولف جوانمیر عبدالحی
مشخصات نشر	تهران: مجد، ۱۳۹۳.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۲۴۴-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیب
موضوع	چند فرهنگی
موضوع	دموکراسی
موضوع	حقوق بشر
رده بندی کنگره	۱۳۹۳ ج ۷ / HM۱۲۷۱/ع
رده بندی دیویی	۳۰۶
شماره کتابشناسی ملی	۳۶۹۸۴۴۳

هرگونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، خلاف قانون، شرع و اخلاق است. موارد تخلف را به دفتر مرکزی مجد گزارش فرمایید.

حقوق بشر و دموکراسی

(در جوامع چند فرهنگی)

دکتر جوانمیر عبدالحی

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۹۳ تعداد: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و منحصر به «مجد» است.

دفتر مرکزی:

تهران، میدان انقلاب، خیابان وحید نظری، تقاطع خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۱۰۸

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۱۲۰۷۸ - ۶۶۹۶۳۳۸۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۲۴۴-۱
ISBN: 978-600-193-244-1

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تزیینات، پلاک ۲۸۳، طبقه دوم تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۸

شعبه اردیبهشت: خیابان اردیبهشت (منیری جاوید)، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷ تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴

شعبه یزد: خیابان فرخی یزدی، مجتمع تجاری شقایق، طبقه هم کف - تلفن: ۶۲۶۸۶۷۰ ۰۳۵۱

www.majdlaw.ir

E-mail: majdlaw92@gmail.com

سیستم اشتراک پذیری «مجد»:

ارسال پیامک حاوی نام و نام خانوادگی و شغل (در صورت تمایل) به شماره ۳۰۰۰۸۷۷۶۷۷

فصلنامه حقوقی مجد با ارائه مقالات اساتید مبرز حقوق کشور به طور منظم منتشر می شود.

فهرست مطالب

۱۳	 مقدمه
۱۹	 بخش اول: پدیده چند فرهنگی از مفهوم تا واقعیت
۲۱	 فصل مقدماتی: مفاهیم و کلیات
۲۱	 گفتار اول: مفهوم دموکراسی و مدل‌های آن
۲۱	 بند اول: مفهوم دموکراسی
۲۲	 بند دوم: مدل‌های دموکراسی
۲۲	 الف: مدل نخچه‌گرایی رقابتی
۲۴	 ب: دموکراسی کثرت‌گرا
۲۵	 پ: دموکراسی لیبرال
۲۶	 ت: دموکراسی مشارکتی
۲۸	 گفتار دوم: ریشه‌های تاریخی و مفهوم حقوق بشر
۲۸	 بند اول: ریشه‌های تاریخی و توسعه نظری و عملی حقوق بشر
۳۵	 بند دوم: مفهوم حقوق بشر
۳۷	 الف: حقوق اخلاقی در مقابل حقوق قانونی
۴۰	 ب: تحلیل مفهوم حق
۴۱	 پ: حیطه وظایف حقوق بشر
۴۴	 ت: توجیه فلسفی حقوق بشر
۴۵	 ۱: رویکرد نظریه‌ی منافع
۴۹	 ۲: رویکرد نظریه‌ی اراده
۵۲	 گفتار سوم: مفهوم چند فرهنگ‌گرایی
۶۲	 فصل اول: تلاش فکری جهت رد یا احترام به نکت‌رگرایی فرهنگی

مبحث اول: بررسی اجمالی تلاش های فکری جهت عدم پذیرش چند

فرهنگی ۶۶

گفتار اول: حذف تفاوت های قومی و هویتی به عنوان مصادیق بارز

چند فرهنگی ۶۶

گفتار دوم: ابزار گرایی در تقابل با اندیشه ی ازلی گرایی فرهنگی ۷۲

گفتار سوم: تعارض عدالت با پذیرش پدیده ی چند فرهنگی ۸۰

۱- اقلیت های ملی ۸۷

۲- مهاجرین ۹۰

گفتار چهارم: تعارض به رسمیت شناختن چند فرهنگی با فضیلت

مدنی ۹۲

مبحث دوم: گوناگونی فرهنگی؛ عنصر تکامل و پیشرفت جامعه انسانی ۹۹

گفتار اول: نگاهی به مهم ترین تلاش های فکری جهت ایجاد چهار

جوبی برای احترام به چندگانه گرایی فرهنگی ۱۰۰

گفتار دوم: وحدت در عین کثرت: اندیشه ای دیرپای در تاریخ

اندیشه انسانی ۱۰۶

گفتار سوم: چندگانه گرایی فرهنگی، پاسخی فلسفی به یک نیاز

فردی- اجتماعی ۱۰۸

گفتار چهارم: قومیت و هویت انسانی؛ مفهومی قابل اعتنا در هزاره

سوم میلادی ۱۱۰

گفتار پنجم: قومیت و دولت-کشور ملی ۱۱۴

گفتار ششم: فلسفه چندگانه گرایی فرهنگی در برابری تفکر دینی:

مثال اسلام ۱۲۰

فصل دوم: نقش سازمان های بین المللی در ایجاد یک نظام یکپارچه ی

حقوقی: چالشی برای یک نظام جهانی چند فرهنگی ۱۲۲

مبحث اول: چند فرهنگی گرایی در برخورد با جریان جهان گرایی در

ساختار کنونی جامعه جهانی ۱۲۲

گفتار اول: سازمان های بین المللی و ایجاد یک نظام یکپارچه	
حقوقی: چالشی برای یک نظام جهانی چند فرهنگی؟.....	۱۲۲
گفتار دوم: توجه به پدیده ی چند فرهنگی در مشارکت دولتهای	
عضو جامعه ی جهانی در فعالیت های بین المللی.....	۱۲۵
بند اول: نگاهی به میزان مشارکت فرهنگ های مختلف عضو	
جامعه ی بین الملل در فعالیت های عام سازمان های بین المللی....	۱۲۵
الف: منطقه گرایی: قاعده ای عام برای مشارکت تمام	
فرهنگ ها در عملکرد ملل متحد؟.....	۱۲۹
ب: ضرورت تغییر قاعده کنونی منطقه گرایی برای احترام	
به پدیده ی چند فرهنگی در روابط بین الملل.....	۱۳۲
گفتار سوم: نگاهی به مشارکت فرهنگ های مختلف در فرآیند	
ایجاد و اجرای قاعده ی بین المللی.....	۱۳۴
بند اول: کمیسیون حقوق بین الملل در خدمت تحقق چند گرایی	
فرهنگی در عرصه ی جامعه ی جهانی؟.....	۱۳۷
الف: کمیسیون حقوق بین الملل عاملی برای مشارکت	
«همه».....	۱۳۹
ب: موانع طبیعی و محدودیت های ذاتی کمیسیون حقوق	
بین الملل در راه تحقق چند فرهنگی گرایی حقیقی.....	۱۴۱
۱- منشاء اروپایی حقوق بین الملل.....	۱۴۱
۲- موانع زبانی.....	۱۴۳
۳- شکاف میان حقوق رومی-ژرمنی و حقوق کامن لا.....	۱۴۳
گفتار چهارم: چند فرهنگی گرایی در اجرای قضایی قواعد	
حقوق بین الملل: نگاهی به تنوع گرایی فرهنگی در ساختار دیوان	
بین المللی دادگستری.....	۱۴۵
بند اول: دیوان بین المللی دادگستری، نماینده «نظام های	
حقوقی عمده جهان؟.....	۱۴۵
بند دوم: حضور «تمدن های عمده».....	۱۴۷

- بند سوم : اصول کلی حقوقی ۱۴۸
- گفتار پنجم : گسترش قواعد لازم الاجرای جهانی: شبج پایان
- جهانی چند فرهنگی؟ ۱۴۹
- بند اول : مقررات منشور ملل متحد ۱۵۰
- بند دوم : قواعد آمره و تعهدات ۱۵۱
- بند سوم : میراث مشترک بشریت ۱۵۳
- بند چهارم : حقوق بین الملل کیفری ۱۵۴
- بند پنجم : صلاحیت جهانی ۱۵۴
- بند ششم : اصل یا محاکمه کن یا استرداد کن ۱۶۱
- مبحث دوم : خاص گرایی در حقوق بین الملل امروز، ابزاری برای خدمت به تنوع فرهنگی در جامعه ی بین الملل ۱۶۲
- گفتار اول : خاص گرایی در ارتباط با منابع حقوق بین الملل ۱۶۲
- بند اول : عرف محلی یا منطقه ای ۱۶۳
- بند دوم : حق شرط نسبت به معاهدات ۱۶۳
- گفتار دوم : منطقه گرایی ۱۶۵
- بند اول : منطقه گرایی و مقررات منشور ملل متحد ۱۶۵
- بند دوم : منطقه گرایی و تدوین و توسعه ی تدریجی حقوق بین الملل ۱۶۶
- گفتار سوم : خاص الشمول گرایی در شکل وضعیت ویژه ای که به منافع خاص در برخی از دولتها داده شده است ۱۶۸
- گفتار چهارم : توجه به فرهنگ و تمدن، عنصری مهم در تکوین حقوق بین الملل ۱۶۸
- بند اول : مفهوم فرهنگ و تمدن: ملاحظات کلی ۱۶۹
- بند دوم: فعالیت های ملل متحد در راستای گسترش نظام چند فرهنگی ۱۷۰
- الف : تلاش های ملل متحد برای ارتقا مفهوم «گوناگونی فرهنگی» ۱۷۰

ب : ملل متحد و گفتگوی تمدن ها	۱۷۱
گفتار پنجم : تاثیر قواعد حقوق بین الملل بر پدیده چند فرهنگی	
در حقوق داخلی کشورها	۱۷۳
بند اول : ارتباط حقوق بین الملل با نظام حقوقی داخلی: در	
جستجوی مرزهای حقیقی منع دخالت در امور داخلی دولتها	۱۷۳
بند دوم : مظاهر مهم تاثیر قواعد حقوق بین الملل بر	
ساختارهای چند فرهنگی داخلی	۱۸۳
بخش دوم: چالشهای پیش روی یک دولت چند فرهنگی	۱۸۷
فصل اول : حقوق بشر و پدیده چند فرهنگی امکان یا امتناع؟	۱۸۹
ملاحظات کلی: چالش های فلسفی حقوق بشر در زمینه ی قبول	
یا رد مطالبات گروههای فرهنگی	۱۸۹
مبحث اول : تقابل یا همگرایی حقوق فردی و گروهی در اندیشه های	
حقوق بشر	۱۹۶
گفتار اول : محدودیتهای درونی و حراستها ی بیرونی	۱۹۸
گفتار دوم : چند معنائی « حقوق گروهی »	۲۱۲
گفتار سوم : نظام حقوق بشر و کثرت گرایی فرهنگی	۲۱۷
بند اول: حقوق بشر و جوامع کثرت گرا	۲۱۸
بند دوم : مسئله کثرت گرایی	۲۲۰
بند سوم : حقوق بشر و کثرت گرایی فرهنگی بعد از سال	
۱۹۴۵	۲۲۸
بند چهارم : حقوق بشر و کثرت گرایی فرهنگی بعد از سال	
۱۹۸۹	۲۳۴
بند پنجم : حقوق بشر و کثرت گرایی فرهنگی به کدامین سمت	
وسو؟	۲۴۳
مبحث دوم : کمیته حقوق بشر و چند فرهنگ گرایی: مثالی از توجه به	
احترام به فرهنگ های متفاوت در قلمرو اجرای حقوق بین الملل؟	۲۴۷

گفتار اول : چند فرهنگی گرایي در عملکرد و رویه کمیته حقوق

بشر: برتری «حقوق جهانی بشر» بر ملاحظات منطقه ای ۲۴۸

بند اول : تبعیض در خصوص مسأله جهت گیری جنسی

(ماده ۲) ۲۴۸

بند دوم : تبعیض علیه زنان ۲۵۰

بند سوم : مجازات مرگ ۲۵۱

بند چهارم : مجازات یا رفتار خوارکننده، غیر انسانی یا همراه با

قتل ۲۵۳

بند پنجم : حمایت از اسرار خصوصی و خانوادگی ۲۵۴

بند ششم : حقوق اقلیت ها ۲۵۵

گفتار دوم : تنوع فرهنگی در تقابل با پارادوکسی به نام حقوق بشر ۲۵۸

بند اول : حقوق بشر و حاکمیت دولتها ۲۵۸

بند دوم : حقوق بشر جهانی و پدیده چند فرهنگی گرایي قبول

نسبی گرایي فرهنگی یا جهانی گرایي حقوق بشر ۲۶۲

فصل دوم: مفهوم دموکراسی و بنیادها چالش های آن در جوامع چند

فرهنگی ۲۶۶

ملاحظات کلی ۲۶۶

مبحث اول: مدل های دموکراسی و پیوند آن در تعامل یا تقابل با

پدیده ی چند فرهنگی ۲۶۹

گفتار اول : مدل وست مینستر دموکراسی (اکثریت گرا): ۲۷۸

بند اول : مدل وست مینستر در دولت پادشاهی مشروطه

(بریتانیا) ۲۷۹

بند دوم : مدل وست مینستر در نیوزیلند ۲۹۰

بند سوم : مدل وست مینستر در باربادوس ۲۹۵

گفتار دوم : توافق عمومی فرهنگ ها بر پایه ی دموکراسی توافقی ۲۹۹

بند اول : مدل توافق عمومی در سوئیس و بلژیک ۳۰۲

بند دوم : مدل دموکراسی توافق عمومی در اتحادیه اروپا ۳۱۰

الف - حزب مردم اروپا.....	۳۱۲
ب - ائتلاف مترقی سوسیالیست‌ها و دموکرات‌ها.....	۳۱۳
پ - ائتلاف لیبرال‌ها و دموکرات‌ها.....	۳۱۳
ت - ائتلاف آزاد اروپا - سبزها.....	۳۱۴
ث - اصلاح طلبان و محافظه‌کاران اروپا.....	۳۱۵
ج - چپ متحد اروپا - چپ سبز نوردیک.....	۳۱۶
چ - اروپای آزادی و دموکراسی.....	۳۱۷
ک - غیروابسته‌ها.....	۳۱۷
مبحث دوم: در جستجوی تکنیک‌های توزیع حاکمیت در حقوق	
امروز دولت‌ها در پاسخ به مطالبات جوامع چند فرهنگی.....	۳۲۲
گفتار اول: پدیده چند فرهنگی و اصل تعیین سرنوشت.....	۳۲۲
بند اول: اصل تعیین سرنوشت: قاعده‌ی بنیادین حقوق	
بین‌المللی برای تحقق احترام به فرهنگ‌ها؟.....	۳۲۲
بند دوم: تقابل اصل تعیین سرنوشت با اصل تمامیت ارضی	
دولتها در حقوق بین‌الملل امروز.....	۳۲۳
گفتار دوم: حاکمیت مسوول: مبنایی برای توزیع عادلانه قدرت در	
یک جامعه چند فرهنگی.....	۳۳۰
بند اول: از استبداد تا حاکمیت مسوول.....	
بند دوم: تحول مفهوم حاکمیت: پیش به سوی حاکمیت	
مسوول.....	۳۳۴
الف: مسوولیت حمایت: رویکردی نو در ارتباط با مفهوم	
حاکمیت.....	۳۳۷
ب: مسوولیت حمایت و حمایت از گوناگونی فرهنگ‌ها.....	
پ: فرهنگ‌ها و دفاع از امنیت بشری.....	۳۴۲
ت: اصل مسوولیت حمایت و دفاع از فرهنگ‌ها.....	
گفتار سوم: عدم تمرکز و نقش آن در تحقق در تحقق چند	
فرهنگی‌گرایی.....	۳۴۵

بند اول : تمرکز زدایی در یک دولت یک پارچه..... ۳۴۷

الف : تمرکز زدایی سرزمینی..... ۳۴۸

ب : تمرکز زدایی خدماتی..... ۳۴۹

پ : اعطای اختیار..... ۳۴۹

ت : خودگردانی..... ۳۵۰

ث : منطقه گرایی..... ۳۵۳

گفتار چهارم : دولت های مرکب و رویکرد آنها با پدیده ی چند

فرهنگی..... ۳۵۸

بند اول : فدرالیسم..... ۳۵۸

بند دوم: فدرالیسم چند ملیتی و تکثرگرایی ارزشی..... ۳۶۴

بند سوم: فدرالیسم تکثرگرا..... ۳۶۷

منابع..... ۳۷۷

مقدمه

توجه به هویت فرهنگی بخشی مهم از اهتمام متفکران در عرصه های مختلف را به خود اختصاص داده است. اگر تا دیروز گمان بر آن بود که در عصر اتم و رایانه سخن گفتن از فرهنگ و قومیت باید به دست فراموشی سپرده شود و در فرآیند «جهانی شدن» همه باید یکرنگ و یکسان گردیم، حوادث و رویدادهای اخیر جدیدترین آن رفتارندم شهریور ۹۳ مردم اسکاتلند برای جدایی از بریتانیا و تلاش کاتالانها برای برگزاری انجام رفتارندوم جهت جدایی از اسپانیا در قلب مدعیان جهان گرایی و اروپا خلاف آن را ثابت نمود. در حقیقت بسیاری از امور نشان می داد که ارزش اموری چون فرهنگ برای فرد انسانی کم از تامین نیازهای مادی او نیست و چه بسیار انسانها که حتی برای تضمین احترام به هویت فرهنگی شان به راحتی از حطام این جهانی می گذرند و حتی جان خویش را نیز در این راه تقدیم می کنند. مشاهده انسان هایی نستوه و وارسته که در برابر جبروت شیطانی فرمان "خود را فراموش کنید و چون من شوید" فریاد اعتراض سر می دهند و در قلعه های سر به فلک کشیده یا بیا بان های تفتیده با عزت در معراج خود فرو می غلتند برای تمامی وجدان های آزاد تکان دهنده و معنادار است. آری امروز در عصری که همه از آن به عصر جهانی شدن و یکسان شدن یاد می کنند شاهد اهمیت هویت های خسته از شلاق استبداد کمتر ستیزی هستیم. اگر در عصر تک قطبی سیاسی-نظامی در جهان امروز بسیاری راه ها به واشنگتن و لندن ختم می شود، کمتر کسی است که تصور کند در عرصه فرهنگ نیز همه باید لباس مغرب زمین و یا فرهنگ اکثریت دارای تمامی ابزارهای قدرت سیاسی و مادی بر تن کنند. اگر در اندیشه روشنفکر چپ گرای دیروز آنچه مهم بود تفوق بر شکاف های طبقاتی بود و تفاوت های زبانی و قومی و فرهنگی تفاصیلی بود که بیشتر جنبه فنی داشت امروز نه چنین است. امروز علاوه بر تاملات فلسفی ملاحظات علمی و جامعه شناختی در کنار حقایق روان شناختی همه و همه به نوعی صحت توجه به گوناگونی های فرهنگی را ثابت کرده است. بدون تردید انسانی که هویت و ارزش قومی خود را خوار می بیند چگونه می تواند خود را با افراد اکثریت یا اقلیتی که فرهنگ خود را به او تحمیل کرده

اند برابر ببیند و چگونه او در جامعه ملی یا بین المللی برای اعتلای ارزش های انسانی بکوشد؟

اینچنین مفهوم چندگانه گرایی فرهنگی توجیهی علمی-اجتماعی یافته است. لیکن آنچه مسلم است آن است که این مفهوم بیش از آنکه مفهومی صرفاً حقوقی باشد مفهومی سیاسی و جامعه شناختی، فلسفی نیز هست و این حقیقت می تواند در طرح موضوع در چارچوب یک کتاب صرف حقوقی ایجاد دشواری کند. در تعبیری ساده یک جامعه چند فرهنگی یا چند ملیتی به تعبیر کیم لیکا جامعه ای است که در آن مجموعه ای از گروه های قومی، ملی، مذهبی و فرهنگی بدلیل قرار گرفتن در یک فضای جغرافیایی محکوم به زندگی مشترک با یکدیگر شده اند و بابه اختیار اجتماع چند فرهنگی را برگزیده اند. این واقعیت موجب خلق کشورهای چند فرهنگی یا چند ملیتی شده و کشورهای اخیر را با چالش جدی روبرو کرده است. لذا با توجه به واقعیتهای تاریخی و موجود در نظام های حقوقی و سیاسی قدیم و جدید اذعان به وجود واقعیتهای به نام چند ملیتی و چند فرهنگی امر بدیهی می باشد، لیکن آنچه اهمیت دارد انتخاب رویکردهای حفظ، حذف، تعامل و یا تقویت پدیده ی چند فرهنگی می باشد، از این نقطه نظر است که ورود آرام و گاه تند دموکراسی ها و حقوق بشر احساس می شود، چند فرهنگی یک واقعیت و چند فرهنگی گرایی یک برنامه ای است برای سازمان دادن عادلانه و انسانی به این واقعیت است. چند فرهنگی گرایی مستلزم قبول تکثر گرایی و طرد یکجانبه گرایی و نگاه صرف مبتنی بر وحدت گرایی و یکدست نگه داشتن جامعه است، که در این گلوگاه حساس است که نیاز به حضور دموکراسی و همزاد آن یعنی حقوق بشر است، اما آنچه قابل بحث است کدام الگو از دموکراسی و کدام نگاه حقوق بشری؟ بنابراین نگاه حکیمانه فرصت گونه و نه تهدید گونه می طلبد، این امر مستلزم بازبینی مجدد سازمان دهی کشورهای چند فرهنگی در مفهوم دموکراسی وست مینستر یا اکثریتی و پذیرش دموکراسی اجماعی یا تکثرگرا که اقلیتها بازیگران از پیش بازنده نباشند، همچنین همت جدی در خصوص بازاندیشی مفاهیم حقوق بشری نظیر برابری، عدم تبعیض و آزادی فردی می طلبد. با این حال از آنجا که این امر مهم خالی از دشواری نیست و هر مطالعه اجتماعی-فکری تلاش کرده است تا بنا به خاستگاه خود به نوعی از دشواری ها بکاهد. اگر در لبنان، ایران، ترکیه، عراق، حتی کشورهای مبتنی بر

دموکراسی لیبرال نظیر ایالات متحده آمریکا، کانادا، بلژیک و...، زندگی مشترک گروه‌های مختلف قومی و ملی گاه با چالش‌هایی روبرو بوده است، فلسفه، جامعه‌شناسی یا علم سیاست و حقوق حتی روانشناسی کوشیده‌اند تا با اندیشه آزاد، تحلیل علمی جامعه یا بافت قدرت سیاسی و نقد آن راه حل‌هایی ملموس برای حل تعارض‌های موجود در جامعه ارائه کنند. اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود علم حقوق چگونه می‌تواند به حل این مشکل یاری رساند. می‌دانیم که در جهان امروز هر دولت با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ایدئولوژیک خود روابط اجتماعی بافت‌های مختلفی فرهنگی خود را تنظیم می‌کند و مجموعه قواعد حقوقی که در این زمینه شرف صدور یافته‌اند حارس وضعیت موجودند حال آنکه تردیدی نیست که انگیزه اولیه نگارش چنین کتابی زندگی در یکی از کشورهای چند فرهنگی و تعلق نگارنده به یکی از این فرهنگ‌ها و همچنین مطالعه تفکرات اندشمند و فیلسوف لیبرال جان استوارت میل و برخورد با این عبارت که: امکان تحقق دموکراسی و تأسیس نهادهای مدنی آزاد در جوامع چند فرهنگی وجود ندارد. آغاز گردید و این پایه‌ی فرضیه‌ای شد برای کتاب و تلاش برای تغییر یا اثبات آن، لازم به ذکر است اصطلاح چند فرهنگی و مصادیق به کارگرفته در آن (جامعه‌ای متشکل از اقلیتهای ملی و قومی) با اقتباس نظر از ویل کیم لیکا نظریه پرداز برجسته‌ی چند فرهنگی بوده است.

توصیف پدیده چند فرهنگی، تحلیل مفهومی دموکراسی، حقوق بشر و ساختار دوگانه چند فرهنگی در نظم حقوقی بین الملل، چه در سطح نظری، چه در عرصه‌ی عمل، مدنظر قرار گرفته است، که مبتنی بر نظم و گه گاهی بی‌نظمی در عرصه‌ی بین الملل و اختلاف نظر در خصوص استحقاق یا عدم استحقاق وصف حقوق بشری دادن به حقوق گروهی و فرهنگی است. کتاب حاضر به نظریات محض فلسفی، اجتماعی و حقوقی صرف اکتفا نکرده و واقعیت‌های موجود در کشورهای مختلف و برخورد آنها با موضوعات چند فرهنگی را مورد بررسی قرار داده چرا که در پی کشف نظامی است که هم در سطح نظری و هم در سطح عملی موفق به قبول و گسترش چند فرهنگی شده است، لذا کتاب حاضر به دو بخش تقسیم شده است: بخش نخست به بررسی و تحلیل مفهومی دموکراسی، حقوق بشر، چند فرهنگی، نقش نظریات مخالف و موافق در خصوص چند فرهنگی در نظر و عمل و برخورد جامعه‌ی بین الملل با چند فرهنگی

اختصاص یافته است. در این ارتباط در درجه نخست با تعریف مفاهیم دموکراسی، حقوق بشر، چند فرهنگی و ریشه های آنها، نظریات مخالف و موافق با چند فرهنگی میزان مداخله حقوق بین الملل، تعامل یک دولت چند فرهنگی با شهروندان و دیگر واحدهای زیرمجموعه اش مورد بررسی قرار گرفته است. دولت ممکن است به صراحت از طریق وارد شدن به چارچوب های معاهداتی با رضایت خود دایره آزادی عمل خویش را محدود نموده باشد. برای مثال دولتهای عضو «شورای اروپا» تاکنون با پذیرش مقررات «معاهده راجع به حمایت از اقلیتهای ملی» حیطه آزادی عمل خود را محدود نموده اند. ولی آنچه بیش از هر چیز امروزه تنظیم روابط دولت با شهروندانش را دچار تحولی عمیق نموده است، پیدایش عرصه ای در حقوق بین الملل به نام حقوق بین الملل بشر می باشد. در این ارتباط، آنچه بیش از همه شاید به ذهن بیاید مدلهای حمایتی است که در چارچوب های منطقه ای یا جهانی مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یا میثاق های ملل متحد ایجاد شده اند. با این وجود مساله ساختار این شاخه حقوقی همواره میان حقوقدانان جدل برانگیز بوده است. مسائلی مانند توجه به ارزش های اسلامی، آسیایی و غیره همواره مانع از توافق تمامی کشورها در مورد این مساله شده است. در واقع این مناقشه از دیرباز وجود داشته است که آیا حقوق بین الملل بشر حقوقی است جهانی که در تمام نقاط مختلف جهان باید به آن احترام گذاشته شود یا آنکه این حقوقی است نسبی که در شکل گیری و اجرای آن باید به واقعیت های هر جامعه یا واحد اجتماعی نگاه کرد. این تعارض می تواند به نحوی قابل توجه نقش حقوق بین الملل در ارتباط با پدیده چند فرهنگی را تحت تاثیر قرار دهد. به این مساله در ادامه بیشتر توجه خواهد شد.

جدا از این مسائل، مساله اجرای قواعد ایجاد شده در چارچوب حقوق بین الملل در عرصه حقوق داخلی مساله دیگری است که باید در این باب مورد توجه خاص قرار گیرد. به دلیل نبود یک نظام اجرای تکامل یافته در حقوق بین الملل این در نهایت خود دولتها هستند که اجرای قواعد حقوق بشری در مرزهای خود را عهده دار هستند. در این حال، سیاست و رویه های موجود در باب اجرای قواعد حقوق بین الملل در ارتباط با حقیقت چند فرهنگی باید مورد عنایت قرار گیرد. در این راستا فرهنگ و نهادهای دمکرتیک و شیوه سازماندهی و انتخاب نوع خاصی از دموکراسی نقش خاصی

در این ارتباط بازی نموده است. در این مورد اسلام مثال آشنایی برای ماست. از یک سو مطابق قواعد غیر قابل تغییر اسلامی، تنها قواعد این دین است که مورد قبول آفریدگار جهان است و هر تفکر دیگر در روز بازخواست از سوی وی مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت، حال آنکه این اصل بنیادین به دشواری می تواند مورد قبول کسانی قرار گیرد که دل بسته آزادی افراد برای انتخاب دین و طریقه خود هستند. به علاوه، همین عده بسیاری از قواعد اسلامی راجع به نیمی از افراد انسانی یعنی زنان را مغایر با قواعد بنیادین حقوق بشری می دانند. این مساله جدا از آنکه اختلاف عقیدتی می باشد، در رویه قضایی نیز اثر خود را به جا نهاده است. برای مثال در قضیه معروف حزب رفاه در برابر دیوان اروپایی حقوق بشر مساله تعارض غیر قابل حل شریعت اسلامی و حقوق غیر مذهبی به عیان خود را نشان می داد. اینها همه موضوعاتی هستند که برای اساتید و دانشجویان حقوق بین الملل مسائلی آشنا به شمار می روند و البته در این مرحله قصد نداریم تا به تفصیل وارد آنها شویم. آنچه در این مرحله مدنظر ماست آماده کردن نگاه مخاطب برای ورود به بحث تفصیلی موضوع می باشد.

آنگاه در بخش دوم به توصیف قواعد چند فرهنگی و ارتباط آن با حقوق بشر، تعارض ها، امکان و تعامل یا نادیده انگاشتن چند فرهنگی توسط سیستم های دموکراتیک پرداخته شده است. سیاستهای موفق و همخوان و ناهمخوان با پدیده ی چند فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است، سیاستهایی که گاه با حذف، بی توجهی، تعامل، تقویت و پشتیبانی همراه بوده است، که امروزه به عقیده بسیاری از اندیشمندان چالش حقوق بشر نه با حکومت های فئودالی سابق برای کسب حقوق شهروندی و نه با حاکمیت مدرن توتالیتار بلکه با دولتهای چند فرهنگی و اعمال فشار به این کشورها جهت قبول این واقعیت است که انسانها نه انسانی تهمی از فرهنگ و علایق فرهنگی بلکه انسانی با دلبستگی های فرهنگی و لازمه ی احترام به آنها می باشد، با توجه به اینکه همه می دانیم که ایران کشوری است که عناصر فرهنگی و ملی متفاوتی را در خود جایی داده است می تواند از الگوهای موفق کشورهای چند فرهنگی و چند ملیتی استفاده کند.

همچنانکه گذشت با قبول این واقعیت، انتخاب موضوع و اصطلاحات مندرج در آن یعنی دموکراسی، حقوق بشر و جوامع چند فرهنگی از جمله مفاهیم بین رشته ای و

همچنین مسایل موجود در آن، پاسخ به آنها نیاز به تحقیق و ورود غیر قابل اجتناب و تمسک به موضوعات علوم سیاسی، روانشناسی اجتماعی، مردم شناسی و حقوق می باشد، با اهتمام به واقعیت پیش گفته تلاش شده است در حد توان جوهر حقوقی کتاب حفظ و واقعیت های حقوقی در نظام های حقوقی موجود مورد بررسی قرار گیرد. کتاب انتخاب شده با موضوعات مورد مناقشه مشکلات خاص خود را دارد و کار پیش رو نیز مستثنی از این قاعده نیست.